


نوع مقاله: پژوهشی

رسم «ساتی» و چرایی آن با توجه به جایگاه زنان هندو و مقایسه آن با اسلام

محسن تنها / دکتری ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

tanhamohsen@gmail.com

 orcid.org/0000-0002-2038-975X

دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

چکیده

یکی از سنت‌های هندوان رسم «ساتی» است که در آن زن شوهر مرده به همراه وی سوزانده می‌شود. این سنت در طول تاریخ هند، افت‌وخیزهایی را تجربه کرده و سرانجام با توجه به مخالفت‌های افراد و گروه‌های مختلف ممنوع اعلام شده است. مطالعات انجام‌شده بیانگر انگیزه‌های گوناگون نسبت به انجام این سنت است. از نگاه برخی محققان، این عمل با انگیزه الهی و با تأسی به الهه داکشیانی، و از نگاه عده‌ای دیگر علت آن مشوق‌ها و عقوبت‌های اجتماعی است که زن بیوه را ملزم به انجام چنین عملی می‌کرده است. اعتقاد به تناسخ در کنار عشق و محبت زن نسبت به شوهر از دست رفته و ملحق شدن به او از دیگر عواملی است که تمایل به این رسم را تشدید می‌کرده است. البته بی‌توجهی به نیازهای عاطفی و اجتماعی بیوه‌زنان نیز سبب شده است این خودسوزی نوعی رفتار خشونت‌آمیز قلمداد شود که فرجام این سنت شاهدی بر این ادعاست. عنایت دین مبین اسلام نسبت به وضعیت این گروه از زنان نشان‌دهنده نگاه متعالی‌تعالیم آن و رعایت مصالح فردی و اجتماعی در این مسئله است.

در این نوشتار به روش توصیفی - تحلیلی، رسم ساتی تبیین شده و پس از بررسی ریشه‌های فکری آن به مقایسه جایگاه زن در هندوئیسم و اسلام پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زن بیوه، ساتی، آتش، خودکشی مقدس، پاکدامنی، حقوق زنان، سوختن.

«هندوئیسم» یکی از ادیان زنده جهان و به لحاظ تاریخی یکی از ادیان بسیار قدیمی است. در کنار این دو خصوصیت، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های این دین شرقی آریایی (موحدیان عطار و رستمیان، ۱۳۸۶، ص ۱۰) زمینه‌سازی برای پیدایش جینیسم، بودیسم و برخی از پدیده‌های معنویت‌گراست. آنچه در نگاه اول از این دین به نظر می‌آید، پررنگ بودن مناسک و شعائر دینی است که بی‌شک برخاسته از تفکرات هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه است. بخشی از متون مقدس هندوها مربوط به مناسک دینی است و در این زمینه می‌توان به کتاب‌های *سامه‌وده* و *یجوروده* در خصوص آیین قربانی اشاره کرد. برخی از این کتاب‌ها به‌طور عام به احکام متنوع هندویی پرداخته که شاخص‌ترین آنها قانون *منو* است. در خصوص مناسک خاص برای طبقه یا کاست خاصی نیز کتاب *برهمنه‌ها* قابل ذکر است (موحدیان عطار، ۱۳۸۴).

این مقاله درصدد تبیین و بررسی زوایای گوناگون رسم «ساتی» - از رسوم دین هندو - است که جنبه مناسکی دارد و پس از ذکر تاریخچه و چرایی انجام این عمل، در زمینه‌ای تطبیقی - هرچند به اقتضای حجم آن به اختصار - این آموزه را با آموزه‌های دین اسلام مواجه سازد.

از رسم ساتی در کتاب‌هایی با موضوع تاریخ ادیان از جمله *تاریخ تمدن ویل دورانت و تاریخ جامع ادیان* اشاراتی به میان رفته است که به‌طور کلی درصدد مقام تبیین این رسم هستند و کمتر به انگیزه‌های انجام این رسم پرداخته شده است. همچنین در خصوص ریشه‌های الهیاتی این رسم به‌ویژه ارتباط آن با موضوع تناسخ به صورت جزئی در منابعی همچون *اخلاق در شش دین جهان و آیین هندو* بحث به میان آمده است.

۱. ساتی و جایگاه آن در آموزه‌های هندوئیسم

«ساتی» (sati) از واژه «ست» که کلمه‌ای به زبان سانسکریت است، گرفته شده و به معنای صداقت یا پاکدامنی است. در فرهنگ هندو به زن پاکدامن، پارسا، مقدس و ارجمند ترجمه می‌شود (داراشکوه، ۱۳۵۶، ص ۶۰۴) و به زنی اطلاق می‌شود که همراه با نعش شوهرش سوزانده می‌شود (آندره‌آ، ۲۰۱۱، ص ۱). این رسم خودسوزی قدیمی‌ترین و مشهورترین قانون اجتماعی زنان بیوه هندو و در بین اروپاییان نشانه بی‌رحمی و قساوت هندوهاست (ولپرت، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۱۳۸ و ۱۸۶).

واژگان و عبارات دیگری که در منابع گوناگون برای این رسم به کار رفته، عبارتند از: «ستی» (Suttee) (ر.ک: مایکلز، ۲۰۰۴، ص ۱۴۹) و «بیوه‌سوزی» (Widow Burning). البته رسمی هم در میان بیوه‌زنان راجپوت (Rajput) های منطقه راجستان به نام «جاها یا جوهر» (Jauhar, Johar Or Juhar) وجود داشت که مرتبط با ساتی است که در آن زنان سلحشوران با از دست دادن شوهرانشان در جنگ‌ها به‌طور جمعی خود را می‌سوزاندند تا عفتشان در برابر مهاجمان حفظ شود (جعفری، ۱۳۵۲؛ هارلن، ۱۹۹۲، ص ۱۶۰). همچنین به رسم «بلا و جر» نیز می‌توان اشاره کرد که در آن هم‌پیمانان با پادشاه، چه زنان و چه اطرافیان، در صورت مرگ پادشاه،

به همان شکلی که پادشاه از دنیا رفته بود، اعم از مریضی، سوخته شدن و کشته شدن، به زندگی خود پایان می دادند (رامهریزی، ۱۳۴۸، ص ۹۱-۹۲).

سنت ساتی با مباحثی همچون ازدواج، طلاق، خودکشی و حقوق زنان مرتبط است و صاحب نظران از زوایای گوناگون به این رسم توجه کرده اند. برخی رسم ساتی را نشانه پایبندی به تعهد ایجاد شده در پیمان ازدواج دانسته و برخی دیگر آن را نوعی خودکشی تلقی نموده اند. در بحث حقوق بشر هم این آیین به عنوان یکی از مباحث چالشی آموزه های اجتماعی هندوها مطرح است.

البته واژه ساتی در دو جای دیگر نیز به کار رفته که خارج از بحث این نوشتار است: یکی در ادبیات آیین بودیسم که لفظی به زبان پالی به معنای توجه و آگاهی و معادل واژه «سمرتی» (Smrti) در زبان سانسکریت است (شارف، ۲۰۱۴، ص ۹۴۲) و دیگری مربوط به ادبیات مصر باستان در خصوص یکی از اساطیر مصر، خدایانوی باروری و عشق، یعنی «ساتیس / ساتت / ساتی» (Setis) است (ایونس، ۱۳۷۵، ص ۱۶۸).

۱-۱. تاریخچه رسم ساتی

با وجود اینکه تاریخ انجام این رسم به قرن سوم پیش از میلاد بازمی گردد (ارالی، ۲۰۱۱، ص ۳۷۰)، شواهد و مدارک موجود حاکی از آن است که این رسم در طی قرون پنجم تا نهم میلادی در میان بیوه های پادشاهان شایع بود. این رسم به تدریج در قرن دهم در میان جنگاوران طبقه اشراف مقبولیت عام یافت و طی قرون دوازدهم تا هجدهم در میان سایر طبقات هندوها رواج پیدا کرد (مایکلز، ۲۰۰۴، ص ۱۴۹-۱۵۳). همچنین این مراسم با وجود ممانعت گورها از زمان گوروی سوم، /مراس (۱۵۵۲-۱۵۷۴م)، در میان طبقه اشراف سیکها (آلتکار، ۱۹۵۹، ص ۱۳۱-۱۳۲) و مناطق آسیای جنوب شرقی همچون جزایر لومبوک و بالی کشور اندونزی گسترش یافت (وینر، ۱۹۹۵، ص ۲۶۷-۲۶۸).

برخی از مورخان نیز بر این باورند که در دوره قهرمانی (حماسی) زنان هندو برخی از آزادی های خود را نسبت به دوره ودایی، از جمله جواز ازدواج بیوگان از دست دادند و رسم ساتی که تقریباً در عصر ودایی ناشناخته بود، افزایش یافت (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۶۵).

مواجهه با عمل ساتی نمونه بسیار خوبی از اختلاف عمیق میان دیدگاه های قیم مآبانه سنتی هندوها، یعنی نگاه پدرشاهی و دیدگاه های امروزی است. در نگاه سنتی، ساتی از خودگذشتگی زنانه به شمار می آید؛ اما در نظر متجددان امروزی، یک الگوی آمرانه ناپسند و زننده برای زندگی انسانی است (هاولی، ۱۹۹۴، ص ۲۸).

حضور مبلغان مسیحی در هندوستان افزون بر تأثیر در حوزه هایی همچون آموزش و پژوهش، زبان و ادبیات، بر اصلاحات اجتماعی هم بی تأثیر نبود و این رسم در کنار کشتن جذامیان و قربانی کردن فرزندان، از جمله رسومی بود که دستخوش اصلاحات اجتماعی شد (ولپرت، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۲۴۷-۲۵۱).

همچنین تشکیلات زنان محافظه کار و مترقی در دوران فرانوگرایی (پست مدرنیسم) هندوستان، از معترضان به رسم ساتی تلقی می‌شود. آنها در قضیه تخطی شاهبانو از رسم ساتی، دست به اعتصاب و اعتراض زدند. این اعتراض در کنار اعتراض به جهیزیه مردگان و تخریب درختان و اصلاح سوادآموزی و سلامتی زنان بود (همان، ج ۲، ص ۶۹).

از نگاه اصلاحگران انگلیسی نیز رسم ساتی در کنار رسومی همچون ازدواج قبل از بلوغ دختران، چندهمسری، تجاوز به بیوه‌زنان، ممنوعیت زنان از ازدواج از مظاهر بی‌عدالتی و عدم رعایت حق زنان به شمار می‌آمد. قدیمی‌ترین اصلاحگری که تلاش‌هایش منجر به لغو رسم ساتی شد، رام موهان روی (دود ویل، ۱۹۳۲، ج ۵، ص ۱۴۰) بود. وی از طریق فعالیت‌های «انجمن دوستی» (Amitya Sabha) در سال ۱۸۱۵ و جامعه‌ای از برهما به نام «برهوسماج» (Brahmo Samaj) در سال ۱۸۲۸ در برابر دو موضوع «چندهمسری» و «رسم ساتی» قد علم کرد (ولپرت، ۲۰۰۶، ج ۲، ص ۶۶).

در دوران حکومت بریتانیا بر شبه‌قاره هند (۱۸۵۸-۱۹۴۷)، ابتدا با این رسم همراهی می‌شد، تا اینکه در طول سال‌های ۱۸۱۵ تا ۱۸۱۸ تعداد آمار افرادی که عمل ساتی انجام داده بودند به دو برابر رسید. این امر منجر به آن شد که حاکمیت بریتانیایی وقت تحت تأثیر برخی از میسیونرهای مسیحی، از جمله ویلیام کری و اصلاحگران هندو و افرادی همچون ویلیام بنتیک (مارشمان، ۱۸۷۶، ص ۳۷۴) در چهارم دسامبر سال ۱۸۲۹م این مراسم را قدغن کند (شارما، ۱۹۸۸، ص ۶۷). همچنین در سال ۱۸۶۱م این رسم در تمام ایالت‌های محلی هندوستان ممنوع شد. در کشور نپال هم در سال ۱۹۲۰م از عمل ساتی جلوگیری به عمل آمد.

در میان فرقه‌های هندو، فرقه «شاکتاها» (Shaktas) چون برای زنان احترام زیادی قائل هستند، برخلاف سایر فرق هندو، ازدواج زن بیوه را مجاز می‌شمرند و به همین علت عمل ساتی را از دیرباز حرام می‌دانستند (حکمت، ۱۳۳۷، ص ۱۸۶).

۱-۱-۱. بررسی یک ادعا

با توجه به تاریخچه‌ای که برای رسم ساتی مطرح شد، برخی معتقدند: بازگشت این رسم مربوط به ورود اندیشه اسلامی در سرزمین هند و متأثر از آن است. برای نمونه، ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن درخصوص رسم ساتی می‌نویسد: برای زن هندو در دوره ودایی محدودیت‌های کمی وجود داشت، اما پس از روزگار ودایی جریان اندیشه‌های اسلامی در انحطاط وضع زن در هند مؤثر بود. در همین زمینه وی رسم «حجاب» را از جمله مواردی به شمار می‌آورد که از ایران به هند وارد شده است. وی همچنین رسم ساتی را از رسوم وارد شده به هند معرفی می‌کند. (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۶۵ و ۵۶۳).

در ارزیابی این دیدگاه، فارغ از نص شریف قرآن کریم درخصوص جایگاه زن و کرامت وی - که در ادامه به اجمال به آن اشاره خواهیم کرد - اشکالاتی وجود دارد که ذکر می‌شود:

اول. تناقضی است که در این کتاب وجود دارد. وی با وجود ادعای مذکور، به جایگاه پایین زن هندو (همان، ص ۵۶۳) در فرهنگ هندوان پیش از ورود اسلام و حتی پیش از ظهور اسلام تصریح می‌کند که به تناسب آن رفتارها و سنت‌های هندی برای زنان این قانون تنظیم و اجرا شده است. همچنین با استناد به منابع مکتوب تعالیم هندوئیسم، این رسم را رسمی داوطلبانه معرفی می‌کند (همان، ص ۵۶۵).

دوم. درخصوص حضور اسلام در سرزمین هند، دو اقدام صورت پذیرفت: اولین اقدام مربوط به درگیری در طی سال‌های ۷۱۱ تا ۷۱۵م میان خلیفه وقت و حکمرانان هندی بود که منجر به مهاجرت مسلمانان به هندوستان شد. دومین اقدام هم مربوط به حملات نظامی سلطان محمود غزنوی در فاصله سال‌های ۱۰۰۰ تا ۱۰۳۰م به منظور ترویج عقیده اسلامی بود (ویر، ۱۳۷۴، ص ۲۵۹-۲۵۷). با وجود این، رسم ساتی و خودسوزی بیوه‌زنان در میان جوامع هندی پیش از این زمان بوده است.

سوم. اظهارنظری در مقابل دیدگاه وی وجود دارد که مدعی است: سختگیری در میان مسلمانان برخی از مناطق نسبت به بیوه‌زنان از آداب و رسوم هندوان، به آنها سرایت کرده است (شوشتری، ۱۳۶۳، ص ۳۸۰).

چهارم. تأثیر شگرفی است که حضور اسلام در سرزمین هند گذاشت (ر.ک: حکمت، ۱۳۳۷، ص ۴۴-۱۵۰). طی مدت هشت قرن (از نیمه قرن ۱۱م تا نیمه قرن ۱۹م) کشور هندوستان تحت لوای اسلام و حضور سلاطین مسلمان در زمینه سازمان‌های مدنی، اجتماعی و اقتصادی راه ترقی را پیمود. یکی از اصلاحات مهم که به سبب توسعه اسلام صورت گرفت، مبارزه با نظام ناعادلانه طبقاتی بود (حکمت، ۱۳۳۷، ص ۵۰) و در همین زمینه موقعیت اجتماعی زنان ترقی شایانی کرد. اوج شکوفایی کشور هند در زمان حضور سلطنت جلال‌الدین اکبر شاه در قرن ۱۷م است (همان، ص ۱۴۷-۱۵۰). وی اولین سلطان مسلمانی است که با عمل ساتی مخالفت کرد (جعفری، ۱۳۵۲؛ ویر، ۱۳۷۴، ص ۲۶۵).

با توجه به اشکالات مطرح‌شده می‌توان بیان کرد که اندیشه اسلامی و به تبع آن، حرکت حاکمان مسلمان در هند نه تنها محدودیتی برای زنان ایجاد نکرد، بلکه در حرکت‌هایی اصلاحی - از جمله مبارزه با رسم ساتی - زمینه اعتلای زنان را فراهم ساخت.

۲-۱. کیفیت اجرای رسم ساتی

رسم ساتی ممکن است به دو شکل انجام شود. در یک صورت که به نام «ساهامارانا» (Sahamarana) خوانده می‌شود، زن بر روی هیزم‌های مخصوص مرده‌سوزی می‌نشیند و در کنار جسد شوهرش سوزانده می‌شود. در شکل دوم که «آنومارانا» (Anumarana) نام دارد، وقتی زن فهمید که شوهرش مرده است و بدنش از قبل سوزانده شده، بر روی هیزم‌های کنار خاکسترهای شوهر یا برخی از اموال او می‌نشیند و جان می‌دهد (مایکلز، ۲۰۰۴، ص ۱۴۹). بنابراین تفاوت این دو صورت در آن است که در شکل اول، زن بیوه خود را همراه با سوخته‌شدن شوهر و در شکل دوم پس از سوزانده شدن شوهر می‌سوزاند.

۱-۳. ساتی و نقش آتش در تحولات معنوی

در هندوئیسم آتش نقش ویژه‌ای در آیین‌های خانوادگی، به‌ویژه پیمان ازدواج (Vivaha) و مراسم دفن (Antyesti) دارد. آتش و حرارت آن نماد روند تغییر زندگی است و پلی بین پرهیز از پرداختن به امیال جنسی در دوره تحصیل دانش (Studenthood) و دوره خانه‌مندی (Grihastha) به شمار می‌آید. همچنین آتش به منزله پیوندی بین این دنیا و دنیای دیگر تلقی می‌گشت. در ذیل، به برخی از نمونه‌های تأثیر آتش در آیین‌های دین هندو اشاره می‌شود:

۱. پیمان ازدواج با چرخیدن هفت دور در جهت عقربه‌های ساعت به دور آتش مؤثر واقع می‌شود.
۲. انجام درست وظیفه زوج و کدبانوگری واقعی در سنت هندو مرهون حضور همیشگی آتش در پخت‌وپز وعده‌های غذایی است.

۳. عبور از مرگ نیاز به نوع خاصی از مرده‌سوزی با آتش دارد؛ زیرا آتش تخریب، پاک‌سازی و بازسازی می‌کند و زندگی گذشته را با زندگی جدید پیوند می‌دهد.

در آیین ساتی نیز که به دوران اولیه هندوئیسم (همچون دوره اشعار حماسی) بازمی‌گردد، زن در مراسم دفن شوهر با انداختن خود - به‌طور فداکارانه - در آتش به او ملحق می‌شود و به این وسیله از تحول معنوی مطمئن می‌شود (الیاده، ۱۹۹۳، ج ۱، ص ۱۳۴).

۱-۴. ساتی و خودکشی

یکی از چالش‌های مطرح‌شده درخصوص آموزه «ساتی» ارتباط آن با مسئله «خودکشی» است (همان، ج ۱۴، ص ۱۲۵). خودکشی به‌عنوان یک ناهنجاری اجتماعی، همواره در میان صاحب‌نظران مطرح بوده است. در ادیان گوناگون رفتارهایی منتسب به دین وجود دارد که از نقطه‌نظر منتقدان یا ناظران بیرونی به‌عنوان خودکشی مطرح بوده و بدان انتقاد شده است. به سبب همین انتقادهای، این رسم در سال ۱۸۲۹م غیرقانونی اعلام شد. در مقابل، پیروان ادیان با به‌کارگیری اصطلاح «خودکشی مقدس»، «خودکشی حماسی» و یا «خودکشی نوع‌دوستانه» به هنجارمند معرفی کردن این رفتار اقدام کرده‌اند.

این اصطلاح از انجام این نوع خودکشی با انگیزه‌های خاص دینی (مایکلز، ۲۰۰۴، ص ۱۴۹) و مرتبط با نوعی جهان‌بینی خاص پیروان یک دین حکایت می‌کند. ممکن است این نوع خودکشی با توجه به مسئولیت اخلاقی در برابر مرگ و شرافت انسانی انجام پذیرد. بنابراین با توجه به این نگرش، این نوع خودکشی نه‌تنها ناهنجاری تلقی نمی‌شود، بلکه به‌مثابه یک هنجار دینی و به تبع آن ارزش دینی به شمار آید. البته ممکن است این نوع خودکشی عمومیت نداشته و برای افراد خاصی باشد.

قتال در راه خدا و «شهادت» در اسلام، «سپوکو» (Seppuku) در آیین‌های ژاپنی، و عمل «سانتارا» یا «سالخارا» (Sallekhan) در آیین جینیسم از جمله رفتارهایی است که همچون آیین ساتی در هندوئیسم در زمره خودکشی مقدس قرار می‌گیرند (الیاده، ۱۹۹۳، ج ۱۴، ص ۱۲۵-۱۲۹).

در آیین هندوئیسم به دو نوع خودکشی اشاره شده است:

اولین شکل آن «پرایوپاوسا» (Prayopavesa) مربوط به کسی است که برای رهایی از «چرخه سمساره»، خود را با انجام کارهای طاقت‌فرسا مثل عدم استفاده از آب و هوا به هلاکت می‌اندازد.

دومین شکل از خودکشی در هندوئیسم رسم «ساتی»، یعنی سوزاندن بیوه‌زن است (همان، ص ۱۲۸-۱۲۹). با توجه به مطلب بیان‌شده، ارتباط میان این رسم با اصل «آهیمسا» روشن می‌شود. «آهیمسا» یکی از اصول حاکم در نظام اخلاقی آیین هندو است. این اصل به معنای آزار نرساندن به موجودات عالم است. در همین زمینه، خودکشی زیر پا گذاشتن این اصل تلقی می‌شود و همان‌گونه که کشتن دیگران گناه به شمار می‌آید، به طریق اولی کشتن نفس با این اصل اساسی منافات دارد. سازگاری رسم ساتی با این اصل به واسطه انگیزه متعالی کسی که دست به این عمل می‌زند، توجیه می‌شود.

۱-۵. ریشه‌های فکری رسم ساتی

یکی از مسائل مطرح شده در خصوص رسم ساتی و شاید دغدغه کسی که با این رسم در آیین هندو آشنا می‌شود این است که با کدام پشتوانه دینی، فرهنگی و اجتماعی این کار صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر زن بیوه‌ای که دست به چنین عملی می‌زند، چه انگیزه قوی‌تری نسبت به حفظ جان و علاقه به زندگی در او پدیدار می‌شود که حاضر می‌گردد جان خود را فدا کند. در این خصوص، برخی از احتمالات وجود دارد که به آنها اشاره می‌شود.

۱-۵-۱. انگیزه الهیاتی

۱-۵-۱-۱. الگوگیری از الهه‌ها

یکی از زمینه‌های انجام رسم ساتی تقلید و الگوگیری از الهه‌ای به نام «ساتی» است که با عنوان *دکشیانی* (Dakshayani) یعنی دختر *دکشا* شناخته می‌شود. «ساتی» الهه سعادت و طول عمر و اولین همسر *شیوا* (مایکلز، ۲۰۰۴، ص ۱۴۹) است. بیوه‌زنی که خود را به همراه جسد شوهرش می‌سوزاند با تأسی از این الهه، نیکبختی، عفت، پاکدامنی و وفاداری خود نسبت به شوهر را در معرض دید همگان قرار می‌دهد (کینزلی، ۱۹۸۷، ص ۳۵) و بدین‌وسیله به تحولی معنوی دست یافته، در جامعه از او به نیکی یاد می‌شود. این مهم‌ترین انگیزه برای انجام داوطلبانه این رسم است.

۱-۵-۱-۲. تناسخ

از نگاه بسیاری از زنانی که دست به عمل ساتی می‌زنند، خودسوزی منجر به حلول در هیأت طبقات بالاست؛ به این علت که ازدواج یک پیوند ابدی زناشویی است و زنی که یک بار با مردی وصلت کرد تا ابد از آن اوست و در زندگی‌های بعدی هم به او خواهد پیوست (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۶۶). با توجه به نظام

کاست‌ها در باورهای هندوها و همچنین اعتقاد به تناسخ، این نظر قوت می‌گیرد که زنی که ساتی می‌کند در چرخه بعدی زندگی در وضعیت بهتری قرار می‌گیرد و می‌تواند در کنار شوهر خود در مرحله بعدی، زندگی سعادت‌مندانه‌تری داشته باشد.

از سوی دیگر، اگر زنی این کار را انجام ندهد عقوبتش این است که در چرخه بعدی زندگی پست‌تری خواهد داشت. به هر حال این عمل واجب نیست و او در سوزاندن و نسوزاندن خود مختار است. قرار گرفتن در زمره رایان (شاهان) در صورت خودسوزی و جای گرفتن در شکم شغال در صورت عدم خودسوزی در عبارت ذیل به روشنی مبین این انگیزه است:

از عادات شایعه قاطبه هندو است سَتی شدن زنان با شوهران... و زعمشان این است که هر زنی که خود را با شوهر بسوزاند او و شوهرش هر دو در مرتبه دوم به جسد رایان حلول کنند و باز همین شوهر او را باشد... (شوشتری، ۱۳۶۳، ص ۳۷۹).

اگر زنی بیوه به هوای تولید فرزندان با مردی دیگر تزویج کند در حیات ثانوی که به این دنیا خواهد آمد، به جای آنکه به شوهر خود متصل شود به کیفر این خطیئه در رحم شغالی جای خواهد گرفت (ناس، ۱۳۹۰، ص ۲۵۷).

بدین‌سان بیوه‌زن به واسطه خودسوزی خودش، به یک جایگاه ویژه و قابل تحسین دست پیدا می‌کند و کفاره گناهان و بدرقتاری‌های خود و شوهرش می‌شود. ساتی با انجام چنین عملی به جبران اعمال گذشته خود و شوهرش پرداخته، اطمینان پیدا می‌کند که به سعادت رسیده است. درحقیقت با مرگ شوهر و ایجاد زمینه انجام عمل ساتی، موهبت و فرصتی بی‌بدیل فراهم می‌شود که باید آن را مغتنم شمرد (الیاده، ۱۹۹۳، ج ۱۴، ص ۱۲۵).

۲-۵-۱. انگیزه اجتماعی

به‌طور کلی یکی از نگرانی‌های زنان و به‌طور خاص زنان هندو وضعیت زندگی ایشان پس از مرگ شوهر است. وضعیت و جایگاه زن در میان هندوها این کار را با حساسیت بیشتری مواجه می‌سازد. در جامعه سنتی هند و همچنین مطابق قانون منو زنان در هر وضعیتی که باشند، باید تحت اختیار، سلطه و هدایت مردی باشند. این مرد در قالب شوهر، پدر و یا فرزند ایفای نقش می‌کند (ناس، ۱۳۹۰، ص ۲۵۷؛ موحدیان عطار و رستمیان، ۱۳۸۶، ص ۷۱).

توجه به این نکته طبیعی است که زنی که در کنار شوهر و با حمایت او زندگی می‌کند، با از دست دادن شوهر خود، یکی از مهم‌ترین و بهترین پایگاه‌های حمایتی خود را از دست می‌دهد و به همین سبب نیازمند راه‌حلی برای این پیشامد سخت است.

همچنین از نظر اجتماعی، زن بیوهای که رسم ساتی را انجام نداده باشد، هرچند به لحاظ فیزیکی زنده تلقی می‌شود، اما درحقیقت با مرگ شوهرش مرده است و به همین سبب اقتدار و جایگاه خود را از دست می‌دهد. وی

مجبور است تحت قیمومیت بزرگ‌ترین فرزند پسر خود زندگی کند، عفت و پاکدامنی خود را رعایت کند، موی خود را کوتاه نگه دارد، فقط لباس سفید بپوشد و از جواهرآلات استفاده نکند و اگر جوان است صورت خود را بیوشاند (مایکلز، ۲۰۰۴، ص ۱۵۱-۱۵۲).

افزون بر نگرانی زن بیوه نسبت به وضعیت خود پس از مرگ شوهر و نگاه منفی و طرد وی از طرف جامعه، نیازهای جنسی و روحی و عاطفی، وی را با محذوره‌های جدی مواجه می‌سازد (منسکی، ۱۳۹۳، ص ۷۲). به همین علت، بیوه‌زن هندی ترجیح می‌دهد تا در کنار بدن شوهرش سوزانده شود تا خفت و خواری را تا پایان مرگ طبیعی تحمل نکند.

از سوی دیگر، جایگاه رفیعی که هندوان برای کسی که این کار را انجام می‌دهد قایلند، سبب می‌شود زنان بیوه به این کار تمایل پیدا کنند. یکی از مشوق‌های این عمل احترام بیش از حد برای این زنان و پرستش آنان همچون الهه است.

هرجا چنین زنی سستی می‌شد، آنجا ضریحی به شکل چهارطاقی با مناره‌ای به‌طور یادگار می‌ساختند... هندوها هر زن سستی را بیش از حد احترام می‌گزارند... اگر در خانواده‌ای کسی سستی شده است، نوزاد این خانواده را به ضریح می‌برند و موهایش را آنجا می‌تراشند و شیرینی تقسیم می‌کنند (جعفری، ۱۳۵۲).

بنابراین به نظر می‌رسد رسم «ساتی» به واسطه ملاحظاتی اجتماعی و وجود مشوق‌ها و یا عواقبی که انجام یا عدم انجام آن به دنبال دارد، به صورت داوطلبانه اجرا می‌شود.

۳-۵-۱. انگیزه شخصی

۱-۵-۳-۱. عشق و محبت

گاهی زن ساتی تحت تأثیر احساسات واقعی برخاسته از غم و اندوه و عشق و محبت به شوهر تهییج می‌شود و دست به چنین کاری می‌زند. این انگیزه با ادعای داوطلبانه بودن انجام این عمل، سازگاری بیشتری دارد. تفاوت شخصیتی زنان نسبت به مردان در خصوص غلبه احساس هیجان و شدت عواطف، شاهدهی بر این مدعاست. نقل شده است:

... مهابهاراتا... این قانون را بنا می‌نهد که بیوه پاکدامن نمی‌خواهد که بعد از مرگ شوهرش زنده بماند، بلکه با غرور پا به آتش می‌گذارد (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۶۵).

این نوع انگیزه در بسیاری از متون ادبی عرفانی مشاهده می‌شود. در دوره‌ای که حضور مسلمانان در سرزمین هند چشمگیر است، ادبیات دینی و عرفانی تحت تأثیر متقابل فرهنگ و تمدن هندوان و ایرانیان قرار دارد. یکی از تأثیرات آداب و رسوم هندویی در ادبیات عرفانی مسلمانان مربوط به رسم «ساتی» است. جلوه این رسم به حدی است که قریب ۲۳ ستی‌نامه در ادبیات به رشته تحریر در آمده و قدیمی‌ترین آن *عشق‌نامه حسن دهلوی* (۶۴۹-۷۳۷ ق) است (باباصفری، ۱۳۸۷). در این نوع نگاه، غالباً ساتی به پروانه‌ای تشبیه می‌شود که بر سر شمع مرده می‌سوزد.

چون زن هندو کسی در عاشقی دیوانه نیست سوختن بر شمع کشته کار هر پروانه نیست

احساس صدمه خوردن از ناحیه همسران و به مخاطره افتادن حیات افراد نیز می‌تواند یکی از علل روی آوردن به رسم ساتی باشد. برخی از هندوها به علت اینکه جان خود را در برابر توطئه‌های زنان حفظ کنند، سنت ساتی را از جمله شروط پیمان ازدواج کرده بودند. بدین‌سان زنانی که در فکر گرفتن جان شوهران خود بودند، دست به چنین عملی نمی‌زدند؛ زیرا منجر به سوزانده شدن خود آنها می‌شد. در همین زمینه نقل شده است: یک قبیلۀ پنجابی به نام «کتایی» ساتی را به شکل قانون درآورده بود تا همسران را از مسموم کردن شوهران بازدارد (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۶۶).

۱-۶. مشوق‌ها و ضمانت اجرای رسم ساتی

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، هرچند ادعا شده است که این رسم به‌طور داوطلبانه انجام شده، اما در برخی مناطق فشار اجتماعی آن را به قانون تبدیل کرد. همچنین هیچ شکی نیست که انجام این رسم قابل قبول عامه مردم قرار گرفت؛ زیرا زندگی زن بیوه، هم‌غریبانۀ بود و هم‌پست.

البته باید اذعان کرد که صرف‌نظر از تقدیس یا لعنت چنین کاری در فرهنگ اجتماعی هندوان، باور بر این بود که زنی که ساتی انجام می‌دهد، زنی بسیار قدرتمند است و کار فداکارانه‌اش برای تطهیر خود و شوهرش است.

بنابراین هرچند عمل ساتی ممکن است همیشه با انگیزه مذهبی نباشد، اما پاداش دینی دارد. از عواقب انجام عمل ساتی می‌توان به توصیه‌های زنان بیوه‌ای اشاره کرد که این سنت را انجام نداده و آثار سوء آن را گوشزد می‌کنند. از جمله مشوق‌های آن نیز القای این نکته مهم است که زن با عمل به رسم ساتی، از عذاب شوهر خود می‌کاهد و خودش نیز از سرور و خوشی دائمی بهره‌مند می‌شود (جعفری، ۱۳۵۲).

۲. جایگاه زن در هندوئیسم

توجه به جایگاه زن در هندوئیسم از مهم‌ترین مسائلی است که نقش کلیدی در فهم عمل ساتی ایفا می‌کند و بدون توجه به آن، درک واقعیت خودسوزی بیوه‌زنان، درکی ناقص و ناتمام است.

به‌طور معمول در خانواده هندو، «پدرشاهی» حاکم بود و پدر بر همه اعضای خانواده و بردگان و حتی زنان سلطه کامل داشت. زن در تمام عمر می‌بایست تحت قیمومیت پدر، شوهر و پسر باشد، سزاوار داشتن مال و منال نبود و به هیچ علتی نمی‌توانست از شوهر خود طلاق بگیرد (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۶۳ و ۵۶۴). همچنین نگاه بسیار منفی نسبت به زنان، پس از دوره ودایی و براساس قانون‌نامه منو این‌گونه نقل شده است:

سرچشمه ننگ زن است. سرچشمه ستیز زن است. سرچشمه وجود زیرین زن است. پس باید از زن پرهیز کرد (همان، ص ۵۶۴).

کشتن یک سگ، یک نفر شوده و یا یک زن جرم بسیار کوچکی است (ویر، ۱۳۷۴، ص ۲۹۰).

این نوع نگاه به زنان در جامعه هندوها برخاسته از آموزه نظام طبقاتی هندوها و تعیین جایگاه زنان در این نظام است. زنان در این نظام همانند افراد «نچس» (Asprishya) با همان شأن و ارزش هستند (کانابیران، ۲۰۰۴، ص ۲۷۴). درخصوص حضورشان در جامعه نیز ملزم به «پرده‌نشینی» (pardah-pativrata) هستند. ایشان حتی از حق اظهار محبت به شوهران منع شده‌اند. همچنین زنانی که نتوانند خواسته خانواده شوهر خود را مبنی بر آوردن پسر برآورده کنند، می‌بایست یکی از سه راه «طلاق»، «طرد» و «خواستگاری از زنی برای ازدواج با شوهرشان» را انتخاب کنند (موحدیان عطار و رستمیان، ۱۳۸۶، ص ۷۳) که تمام راه‌های پیش روی ایشان عواقب جبران‌ناپذیری برای زن در جامعه هندو دارد.

به‌طور کلی، زنان در جامعه هندو، حتی پس از مرگ شوهرانشان حق ازدواج با مرد دیگری را ندارند (حسینی قلعه بهمن، ۱۳۹۹). و با توجه به عواقب پس از آن بهترین کار برای ایشان انجام رسم «ساتی» است. نتیجه این نوع نگاه به جایگاه زن در هندوئیسم و محدودیت‌های اعمال شده درخصوص زنان، جامعه هندوها را به این سمت می‌کشاند تا برای فرار از این عواقب، دست به قتل نوزادان دختر بزنند (همان، ص ۱۳).

۳. جایگاه زن در اسلام

۳-۱. وضعیت زن بیوه در اسلام

افزون بر سنت‌های اجتماعی و فرهنگی میان مسلمانان، قرآن کریم به‌عنوان سند جامع و فراگیر میان مسلمانان، نکاتی را ارائه می‌فرماید که بیانگر جایگاه و منزلت زن به‌طور کلی و زن بیوه به‌طور خاص در مقایسه با تعالیم و سنت‌های هندوئیسم است.

درخصوص اصل خلقت زنان، اسلام میان زن و مرد تفاوتی قائل نشده و هر دو را در یک مرتبه قرار داده است. قرآن کریم به وضوح در این زمینه می‌فرماید: «ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده ساخت...» (نساء: ۱). همچنین خلقت زن را به‌مثابه موجودی مستقل از مرد به این صورت تبیین کرده است: «ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم...» (حجرات: ۱۳). در همین زمینه جنس مؤنث (زن) به‌عنوان مخلوقی از مخلوقات خداوند حکیم، دارای ارزش و حق حیات است و حذف ایشان - قتل نوزادان دختر یا انجام مناسکی همچون رسم ساتی - ضد ارزش تلقی می‌شود.

در خصوص هدف خلقت نیز که رسیدن به سعادت اخروی است، تفاوتی میان زن و مرد نیست و هریک بهره‌مند از امکاناتی است که خداوند برای ایشان قرار داده است؛ از جمله: عقل به‌مثابه راه عمومی هدایت و دین به‌منزله راه فراعادی برای هدایت.

نکته قابل توجه اینکه قرآن کریم تأکید می‌کند که خداوند متعال زن و مرد را برای یکدیگر آفریده است: «... آنان لباس شما هستند و شما لباس آنان هستید...» (بقره: ۱۸۷) و بدین‌روى ایشان را مکمل یکدیگر در تحقق این هدف معرفی می‌کند.

از جهت ارزش‌گذاری میان زن و مرد، اسلام ضمن نفی نگاه جنسیتی و تأکید بر کرامت انسان (اسراء: ۷۰) ملاک ارزش را «تقوا» بیان کرده است (حجرات: ۱۳).

بی‌شک تحقق هدف خلقت نیز در مسیر زندگی انسان شکل می‌گیرد و ازدواج به‌مثابه یکی از مهم‌ترین تحولات این دوران محل توجه و اهمیت است. به همین منظور، قرآن کریم هدف از این مرحله زندگی را رسیدن به آرامش معرفی کرده، بر دوستی و محبت همسران به یکدیگر تأکید می‌کند (روم: ۲۱).

در خصوص بهره‌مندی از حقوق نیز اسلام توجه به ارتباط حق و تکلیف کرده است. زن همانند مرد با توجه به تکالیفی که دارد، از حقوقی بهره‌مند است و همانند مردان نباید این حقوق از ایشان سلب شود. «برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است، و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است» (نساء: ۳۲). بنابراین زنان مالک ارث، نفقه، مهر، هبه و نتیجه کار و فعالیت خویش هستند.

در روابط اجتماعی، اسلام با حبس زنان در خانه و ممانعت از حضور ایشان در جامعه (پرده‌نشینی) مخالفت کرده و آن را با آزادی طبیعی و حیثیت انسانی زن در تنافی می‌بیند (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۹).

توجه به جامعیت اسلام و در نظر گرفتن شرایط و جنبه‌های گوناگون زندگی و همچنین تکالیف و نقش‌هایی که هریک از زن و مرد در زندگی ایفا می‌کنند، در تعیین جایگاه زن و بهره‌مندی وی از حقوق عادلانه بسیار مهم است.

برای نمونه، یکی از مسائل چالشی در بحث حقوق بشر، مسئله ارث در اسلام و تفاوت میان جنس مذکر و مؤنث است. یکی از پاسخ‌های نقضی در این مسئله، وجود مصادیقی است که مبین عدم تفاوت ارث میان زن و مرد است. یکی از بهترین نمونه‌ها در این زمینه، مرد و زنی هستند که پدر و مادر متوفاه هستند - و در صورت فرزند داشتن متوفاه - هریک به میزان یک ششم ارث می‌برند (نساء: ۱۱).

با توجه به مطالب ذکرشده، نگاه اسلام به زن از حیث مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و بهره‌مندی از حقوق، نگاهی متعالی است و با توجه به نظام فکری اسلام، زن در تمام مراحل حضور خود در زندگی (پیش از ازدواج، حین ازدواج و پس از آن) و به لحاظ نقش (دختر، همسر و مادر) دارای جایگاه ویژه‌ای است و هیچ‌گاه از جامعه طرد نمی‌شود.

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، رسم «ساتی» در هندوئیسم مربوط به زنانی است که شوهر خود را از دست داده‌اند. بدین‌روى شامل زنانی که طلاق داده شده‌اند، نمی‌شود.

در فرهنگ اسلامی به زنانی که شوهر خود را بر اثر طلاق یا مرگ از دست داده‌اند، «بیوه» گفته می‌شود. اسلام برای زن بیوه (شوهرمرده) مقررات و احکام خاصی دارد که افزون بر رعایت مصالح عاطفی و شخصی او، از سلامت جامعه محافظت می‌کند. در حقیقت اسلام از یک سو با مجاز دانستن ازدواج مجدد بیوه‌زن نیازهای شخصی، عاطفی و اجتماعی وی را تأمین می‌کند و از سوی دیگر با وضع «عده وفات»، پاکدامنی و عفت زن بیوه و التیام درد وی در خصوص مرگ شوهر را تأمین کرده است. عدم جواز ازدواج پدر با بیوه پسر و بالعکس هم به منظور رعایت همین مصالح است. در این خصوص قرآن کریم می‌فرماید: «و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی بر جای می‌گذارند [همسران] چهار ماه و ده روز انتظار می‌برند. پس هرگاه عده خود را به پایان رسانند در آنچه آنان به نحو پسندیده درباره خود انجام دهند بر شما گناهی نیست و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است» (بقره: ۲۳۴).

«و درباره آنچه به‌طور سربسته از آنان [در عده وفات] خواستگاری کرده یا [آن را] در دل پوشیده داشته‌اید، بر شما گناهی نیست. خدا می‌داند که [شما] به زودی به یاد آنان خواهید افتاد؛ ولی با آنان قول و قرار پنهانی مگذارید، مگر آنکه سخنی پسندیده بگویید؛ و به عقد زناشویی تصمیم مگیرید تا زمان مقرر به سرآید و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید، می‌داند. پس از [مخالفت] او بترسید و بدانید که خداوند آمرزنده و بردبار است» (بقره: ۲۳۵).

«و با زنانی که پدرانان به ازدواج خود درآورده‌اند نکاح مکنید، مگر آنچه که پیش‌تر رخ داده است؛ زیرا آن زشتکاری و [مایه] دشمنی و بدراهی بوده است» (نساء: ۲۲).

«نکاح اینان بر شما حرام شده است... و زنان پسرانان که از پشت خودتان هستند...» (نساء: ۲۳).

همچنین ازدواج نبی مکرم ﷺ با زنان بیوه نشان‌دهنده نادرستی این دیدگاه است که زنان بیوه حق ازدواج ندارند و خط بطلانی بر تفکراتی همچون هندوان در این مسئله است. آیه ذیل افزون بر اختصاص چنین حقی برای بیوه‌زن و یکسان بودن وی با سایر زنان، بیانگر اهمیت صفات معنوی در مقابل صفات ظاهری است.

«اگر پیامبر شما را طلاق دهد، امید است پروردگارش همسرانی بهتر از شما، مسلمان، مؤمن، فرمانبر، توبه‌کار، عابد، روزه‌دار، بیوه و دوشیزه به او عوض دهد» (تحریم: ۵).

قرآن کریم در بحث ازدواج زنی که شوهر از دست داده، فقط یک مورد را به صورت مطلق استثنا کرده است که به هیچ وجه حق ازدواج ندارد و آن هم مربوط به بیوه‌زنان پیامبر اکرم ﷺ است. این امر در حقیقت از ویژگی‌های خاص پیامبر ﷺ و به خاطر جلوگیری از هتک حرمت ایشان است.

«و مطلقاً نباید زانش را پس از [مرگ] او به نکاح خود درآورد؛ زیرا این [کار] نزد خدا همواره [گناهی] بزرگ است» (احزاب: ۵۳).

نکته قابل تأمل دیگر در خصوص چنین زنانی تصریح قرآن کریم بر حرمت به ارث بردن بیوه و تملک او از

روی اکراه و اجبار است (نساء: ۱۹). به همین سبب منع مسلمانان از ازدواج بیوه‌زنان به قصد تملک دارایی‌های آنها نشانگر توجه اسلام به جایگاه این زنان و رعایت حقوق ایشان است.

نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری این نوشتار چند نکته حائز اهمیت است که در ذیل بدان اشاره می‌شود:

۱. آنچه در خصوص رسم «ساتی» باید مدنظر قرار گیرد این است که این رسم همیشه یک استثنا بوده و نه یک رویه (ویتمن، ۱۳۸۲، ص ۸۶). در کتاب‌های مقدس هندویی نیز هرگز درباره این رسم جنایت‌کارانه دستوری داده نشده بود (سن، ۱۳۷۵، ص ۱۳۶). این رسم بیشتر در میان برخی از طبقات خاص هندوها، همانند برهمنان، جنگ‌پیشگان و راجپوت‌ها اجرا شده است. البته از میان آنها، بیوه‌زنان باردار و بچه‌دار را هرگز نمی‌سوزاندند (جعفری، ۱۳۵۲).

۲. یکی از انگیزه‌های عمل ساتی الگوگیری و تأسی به الهه «ساتی» یعنی *داکشیانی*، همسر اول *شیوا*، معرفی شده که با این رسم بی‌ارتباط است. به عبارت دیگر، علت اینکه *داکشیانی* در داستان نزاع پدرش *داکشا* و همسرش *شیوا* (ایونس، ۱۳۷۳، ص ۷۶-۷۸) خود را سوزاند این بود که ساتی خود را به این علت در آتش قربانی می‌سوزاند که پدرش *داکشا*، همسر او *شیوا* را در مراسم دعوت نکرده بود. مقایسه این رفتار *داکشیانی* که در حیات شوهرش (*شیوا*) انجام داد و سپس در قالب «پارواتی» (*Parvati*) مجدداً زاده می‌شود و با *شیوا* ازدواج می‌کند، با بیوه‌زنی که به علت مرگ شوهرش او را می‌سوزاند، مقایسه‌ای بی‌وجه و قیاس‌مع‌الفارق است. بنابراین «ساتی» توطئه‌ای به نام دین است و در مقابل حق حیات زنان قرار دارد و رفتاری وحشتناک بر روی زنان به شمار می‌آید.

۳. یکی از انگیزه‌های قوی در انجام ساتی، رسیدن به آرامش ابدی است که با نظام اخلاقی کاست‌ها در هندوئیسم و عقیده «تناسخ» سازگاری دارد؛ بدین‌بینان که در صورت انجام عمل ساتی توسط زن بیوه، وی در چرخه بعدی زندگی به تکامل می‌رسد و وضعیت بهتری را نسبت به زندگی قبل درک می‌کند. در مقابل، کسی که از این عمل سر باز بزند در چرخه بعدی گرفتار است و در طبقه نازلی حلول می‌کند. بنابراین ترس از گرفتاری در زندگی آینده و قرار گرفتن در زندگی بدتر در دوره بعدی حیات، مهم‌ترین دلیلی می‌تواند باشد که این عمل به صورت داوطلبانه انجام شود.

۴. با توجه به محذوراتی که برای بیوه‌زنان وجود دارد، چه در صورت حیات و چه در صورت خودسوزی، ازدواج آنان را در معرض یک مانع بزرگ برای تکامل شخصی زن قرار می‌دهد و ممکن است تمایل زنان به ازدواج را تحت تأثیر و خدشه قرار دهد.

۵. با توجه به اینکه اصل «آهمیسا» اصلی حاکم و بنیادین در آموزه‌های دینی هندوئیسم است، تعارض عمل ساتی با این اصل قابل توجیه با عناوینی همچون «خودکشی مقدس» نیست. افزون بر آن حفظ پاکدامنی و عفت زن بیوه منحصر در عمل ساتی نیست.

۶ در مبانی دین اسلام، هم در حوزه مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و فرجام‌شناسی و هم در نظام اخلاقی و حقوقی، توجه ویژه‌ای به زنان شده است. زن در اسلام در خلقت و هدف آن با مرد یکسان است و همچنین در تحقق هدف خلقت بسیار تأثیرگذار است و خداوند متعال زمینه‌های بهره‌برداری از ظرفیت‌های وجودی وی را در اختیارش قرار داده است.

۷. دین اسلام با تأکید بر ارزش زن و لزوم رعایت حقوق وی در عرصه‌های گوناگون حیات وی و با توجه به نقش‌های متفاوت زن در قالب دختر، همسر و مادر، جایگاه رفیعی برای زن در جامعه ترسیم کرده است.

۸. زن در اسلام پس از مرگ همسرش، همچنان از استقلال و حقوق متناسب با شأن خود بهره‌مند است و انگیزه و ابزار لازم را برای رسیدن به کمال مطلوب و ادامه حیات و امید به آن دارد.

همان‌گونه که ملاحظه شد، عامل اصلی در انجام عمل ساتی، وضعیت اجتماعی زن بیوه و نگاه به وی در فرهنگ عمومی هندوان است و سایر عوامل برخاسته از این عامل است. از سوی دیگر، نگاه اسلام به جایگاه زن بیوه و در نظر گرفتن مصالح فردی و اجتماعی او سبب شده است که زن بیوه مسلمان افزون بر بهره‌مندی از نعمت حیات، در زندگی فردی و اجتماعی خود آسیب نبیند و بتواند در کنار سایر اقشار جامعه زندگی کند. خودداری از ازدواج در مدت معینی بعد از مرگ شوهر و حق ازدواج دوباره پس از آن نیز به منظور حفظ پاکدامنی وی و سلامت جامعه است. این برخورد التیام‌دهنده رنج‌هایی است که با مرگ همسر در او پدید آمده است.

به همین سبب برای زن مسلمانی که شوهر خود را از دست داده، چه به لحاظ الهیاتی و نگاه هستی‌شناسانه و چه از لحاظ برخورداری از حقوق انسانی و عدم طرد از جامعه، امید به زندگی وجود داشته و زمینه بهره‌مندی از حیات متعالی و متکامل فراهم است و نه در نظام فکری اسلام نیازی به راه‌حل ارائه‌شده توسط هندوئیسم (رسم ساتی) است و نه زنان مسلمان چنین انگیزه‌ای دارند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی فولادوند.
ایونس، ورنیکا، ۱۳۷۳، *اساطیر هند*، ترجمه باجلان فرخی، تهران، اساطیر.
—، ۱۳۷۵، *اساطیر مصر*، ترجمه باجلان فرخی، تهران، اساطیر.
باباصفری، علی اصغر، ۱۳۸۷، «ستی و بازتاب آن در ادبیات فارسی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، ش ۱۶۰، ص ۴۹-۷۴.
جعفری، یونس، ۱۳۵۲، «ستی»، *ارمغان*، ش ۹، ص ۵۸۵-۵۹۲.
موسوی، سیده فاطمه و حسینی قلعه‌بهمن، سیداکبر، ۱۳۹۹، «بررسی تحلیلی مقایسه‌ای ارزش و جایگاه زن در اسلام و آیین هندو»، *معرفت ادیان*، ش ۴۵، ص ۷-۲۴.
حکمت، علی اصغر، ۱۳۳۷، *سرزمین هند*، تهران، دانشگاه تهران.
خوشناتی، ملانوعی، ۱۳۴۸، *سوز و گماز*، تصحیح امیرحسین عابدی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
داراشکوه محمد، ۱۳۵۶، *اویانیشادها*، تهران، طهوری.
دورانت، ویل، ۱۳۷۰، *تاریخ تمدن (مشرق زمین: گاهواره تمدن)*، ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی و امیرحسین آریان‌پور، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
رامهرمزی، شهریار، ۱۳۴۸، *عجایب هند*، ترجمه محمد ملک‌زاده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
سن، ک.م، ۱۳۷۵، *هندوئیسم*، ترجمه ع پاشایی، تهران، فکر روز.
شوشتری، میر عبداللطیف خان، ۱۳۶۳، *تحفه العالم*، تهران، کتابخانه طهوری.
منسکی، ورنر و دیگران، ۱۳۹۳، *اخلاق در تئوس دین جهان*، ترجمه محمدحسین وقار، تهران، اطلاعات.
موحدیان عطار، علی و محمدعلی رستمیان، ۱۳۸۶، *در سنامه ادیان شرقی*، قم، طه.
—، ۱۳۸۴، «متون دینی هندو»، *هفت آسمان*، ش ۲۵، ص ۱۵-۱۴۴.
ناس، جان بایر، ۱۳۹۰، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، علمی و فرهنگی.
ویتمن، سیمن، ۱۳۸۲، *آیین هندو*، ترجمه علی موحدیان عطار، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
ویر، رابرت، ۱۳۷۴، *جهان مذهب: ادیان در جوامع امروز*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- Altekar, Anant S., 1959, *The Position of Women in Hindu Civilization: From Prehistoric Times to the Present Day*, Delhi, Motilal Banarsidass.
- Dodwell, H. H., 1932, *The Cambridge History of the British Empire*, London, Cambridge University.
- Eliade, Mircea, 1993, *The Encyclopedia of Religion*, New York, Collier Macmillan.
- Eraly, Abraham, 2011, *The First Spring: The Golden Age of India*, New Delhi, Penguin.
- Harlan, Lindsey, 1992, *Religion and Rajput Women: The Ethic of Protection in Contemporary Narratives*, University of California, Berkeley and Los Angeles.
- Hawley John Stratton, 1994, *Sati; the Blessing and the Curse*, New York, Oxford University.
- Kannabiran, Kalpana, 2004, "Gender and Changing Social Values in Hinduism", in *Contemporary Hinduism: Ritual, Culture, and Practice*, Edited by Robin Rinehart, USA, abc-clio Inc.
- Kinsley, David, 1987, *Hindu Goddesses: Visions of the Divine Feminine in the Hindu Religious Tradition*, Delhi, Motilal Banarsidass.
- Marshman John Clark, 1876, *History of India from the earliest period to the close of the East India Company's government*, London, W. Blackwood and sons.
- Michaels, Axel, 2004, *Hinduism: Past and Present*, New Jersey, Princeton University.
- Major Andrea, 2011, *Sovereignty and Social Reform in India*, New York, Routledge.
- Sharf, Robert, 2014, *Mindfulness And Mindlessness In Early Chan*, University of California, Berkeley.
- Sharma Arvind, 1988, *Sati: Historical and Phenomenological Essays*, Delhi, Motilal Banarsidass.
- Wiener, Margaret J., 1995, *Visible and Invisible Realms*, Chicago, University of Chicago.
- Wolpert, Stanley A., 2006, *Encyclopedia of India*, New York, Thomson Gale.